

تأملی بر درستی و دقت آمار و ارقام موجود در منابع تاریخ اسلام

محسن معصومی^۱

چکیده

یکی از نکات چشمگیر در منابع تاریخ اسلام، آمار و ارقام فراوان در زمینه‌های گوناگون است. این آمار موضوعات زیادی، مانند شمارگان سپاهیان، تلفات انسانی و مالی جنگ‌ها و درگیری‌ها، خسارت‌های ناشی از حوادث طبیعی، اعم از سیل، زلزله و بیماری‌های فراگیر و نیز اموال، درآمدها، هزینه‌ها و دارایی‌های حکومت‌ها و افراد را در برمی‌گیرد. با توجه به فقدان آمارگیری و عدم امکان سرشماری دقیق در قرون نخستین اسلامی و حتی دشوار و گاه ناممکن بودن تخمین آمار تقریبی در مواردی، چون دارایی‌های افراد یا خسارت‌های زلزله، به درستی و دقت بسیاری از این آمار و ارقام نمی‌توان کاملاً اعتماد کرد. تردید خود مورخان درباره اعداد داده شده، اختلاف شدید میان اعداد مذکور در روایت‌ها، ناهمخوانی برخی از آمارها با شرایط جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی و نیز ناسازگاری آن‌ها با توانایی‌های مادی و معنوی و همچنین استفاده گسترده از

۱. استادیار گروه تاریخ و تمدن دانشگاه تهران، mmassumi@ut.ac.ir

اعداد نمادین و ژند، برخی از دلایل نادرستی بسیاری از این آمار و اعداد است.

این مقاله میزان درستی و دقت اعداد و ارقام را در منابع تاریخ اسلام بررسی می‌کند. منابع مورد استناد در این تحقیق عبارت‌اند از: تاریخ‌الیعقوبی؛ الاخبار الطوال؛ تاریخ‌الرسول و الملوک؛ مروج‌الذهب و معادن‌الجوهر؛ تجارب‌الامم و تعاقب‌الهمم و الکامل فی‌التاریخ. این منابع اولاً تأثیر زیادی در سایر آثار و کتب تاریخی داشته‌اند و ثانیاً بیش از منابع دیگر توجه محققان تاریخ اسلام را به خود جلب کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: منابع تاریخ اسلام، آمار و ارقام، سرشماری، آمارگیری،

عددنویسی

مقدمه

سرشماری اساساً مفهومی نو و متعلق به عصر جدید است. بر همین اساس در جوامع اسلامی، به‌ویژه در قرون اولیه، سرشماری و آمارگیری فراگیر و اعتمادکردنی وجود نداشته است؛ حتی به نظر می‌رسد دربارهٔ تعداد سربازان تحت امر خلیفه و سلطان یا شمارگان سپاهیان حاضر در کارزاری مهم نیز گاه آمار دقیقی در دست نبوده است؛ تا چه رسد به موارد سرّی و محرمانه‌ای، چون دارایی‌های افراد یا تعداد زنان و کنیزانی که در خانه‌ها و حرم‌سراهای حکمرانان بودند.

در این تحقیق می‌خواهیم ببینیم این اعداد گاه شگفت‌انگیز و عجیب که در منابع تاریخی به وفور ذکر شده‌اند، چه اندازه درست و دقیق و منطبق بر واقع‌اند؟ اهمیت این سؤال زمانی فزونی می‌یابد که بدانیم، نخست، مورخان تقریباً به‌مآخذ و منابعی که این اعداد و ارقام را از آن گرفته‌اند، هیچ اشاره‌ای نکرده‌اند و اغلب، بدون توجه به امکان هم‌خوانی این اعداد با شرایط گوناگون اقلیمی، سیاسی و اجتماعی، گاه بسیار سهل‌انگارانه به بیان این آمارها پرداخته‌اند. دوم،

همه اسناد و مدارکی که احیاناً بتوان با تکیه بر آنها به آمار و ارقام درست یا نسبتاً دقیقی در زمینه‌های گوناگون دست یافت، تقریباً یک‌سره از بین رفته‌اند؛ مانند دفاتر اخذ و ثبت انواع مالیات‌ها، سیاهه حقوق و مقرری‌ها و اسناد موجود در دیوان‌های اداری و مالی و نظامی و نیز مدارک شخصی و خصوصی. سوم، درباره برخی از آمارهای مذکور در منابع، چون خسارت‌های ناشی از حوادث طبیعی، تعداد درختان فلان منطقه یا شمار سپاهیان غرق شده در فلان رودخانه، اساساً در زمان وقوع این رخدادها هم آگاهی و آمار دقیقی در دست نبوده است، تا چه رسد به زمان ثبت این گزارش‌ها به دست مورخان که گاه چند دهه با زمان وقوع حوادث فاصله داشته‌اند. این مقاله قصد دارد، با جست‌وجو در منابع تاریخی و پی‌گیری برخی از شواهد و قراین موجود در همین منابع و نیز مقایسه برخی از اعداد و ارقام با شرایط و امکانات مادی و معنوی، نشان دهد که بسیاری از این آمارها نادرست و نادقیق و ناهم‌خوان با واقعیت‌هایند. پیش از آن، یادآوری چند نکته ضروری است:

۱. از میان انبوه آثار و کتب تاریخی، منابع ذیل گزینش شده است: *تاریخ‌الیعقوبی، الاخبار الطوال، تاریخ‌الرسول و الملوک، مروج‌الذهب و معادن‌الجواهر، تجارب‌الامم و تعاقب‌الهمم و الکامل فی‌التاریخ*. دلایل انتخاب این منابع به این شرح است: اولاً این کتب، معتبرترین و پربسامدترین منابع عمومی تاریخ اسلام تا قرن هفتم هجری‌اند و دیگر، اینکه آثار تاریخی، مستقیم یا غیرمستقیم از این منابع متأثرند. در واقع بررسی میزان درستی آمار موجود در این منابع، وضع اعداد و ارقام موجود در منابع دیگر را نیز روشن می‌کند. دلیل دیگر این است که بررسی همه منابع تاریخی، اعم از تواریخ عمومی و محلی، آثار جغرافیای تاریخی، تراجم و طبقات، کاری بسیار گسترده و فراتر از حوصله یک مقاله است.

۲. برخی از روایات موجود در منابع فوق که در بردارنده آمار و ارقام است و در این مقاله نیز بدان‌ها ارجاع و استناد شده است، در سند و محتوا ایرادها و اشکالاتی دارند؛ اما صرف بیان این

روایات مورخان برای استناد به آنها در موضوع مورد بحث کافی است؛ زیرا این روایات هرچند نامعتبرند، نشان‌دهنده نظرها و حدس و گمان‌های گوناگون و گاه بسیار آشفته‌ای هستند که درباره اعداد و ارقام شایع بوده است.

دلایل و شواهد نادرست و نادقیق بودن آمار

دلایل و شواهد فراوان برای نادرستی اعداد مذکور و در نگاهی خوش‌بینانه، بی‌دقتی در ثبت آنها در منابع تاریخی وجود دارد. تردید مورخان درباره درستی این آمار، ناهم‌خوانی اعداد و ارقام داده شده با واقعیت‌ها و شرایط مادی و معنوی، رُند بودن تقریباً همه اعداد، اختلاف‌های شدید درباره اعداد و آمار مربوط به یک رخداد یا واقعیت و استفاده گسترده از اعداد نمادین که بیشتر برای القای مفهومی ویژه، چون کثرت و کمال به کار می‌روند، از این دلایل است.

۱. **تردید برخی از مورخان در درستی آمار و ارقام:** ابن‌خلدون یکی از مورخان است که درباره نادرستی اعداد و ارقام مذکور در منابع تاریخی هشدار داده است. از نظر وی، غلو در بیان آمار و ارقام و بی‌توجهی به واقعیت‌ها در ذکر اعداد، از لغزشگاه‌های خطیر مورخان است. وی، به‌ویژه به آمار و ارقام مورخان از شمار سپاهیان و میزان اموال و دارایی‌ها اشاره کرده و آنها را دست‌آویزی برای دروغ‌پردازی و هذیان‌گویی آنها دانسته است. ابن‌خلدون، همچنین بر این باور است که اگر شمار درست سپاهیان از دیوانیان پرسیده شود و مقدار دارایی‌ها و سرمایه‌های توانگران به‌درستی تحقیق و دریافته شود، معلوم خواهد شد که عدد واقعی، حتی به یک‌دهم آنچه مورخان برشمرده‌اند، نمی‌رسد. (ابن‌خلدون، ۱۴۰۸: ۱/۱۶). مورخان دیگر نیز در موارد متعدد، مستقیم یا غیرمستقیم به حدسی بودن و نادقیق بودن آمارهای خویش، اذعان کرده‌اند.

مسعودی ضمن اشاره به اختلاف‌هایی که درباره شمار کشته‌شدگان نبرد صفین وجود داشته است و می‌گوید:

پس از هر جنگ در تعداد مقتولان اختلاف پیش می‌آید؛ زیرا در میان جان‌باختگان دو طرف جنگ، عده‌ای شناخته نمی‌شوند، برخی غرق می‌شوند و گروهی نیز در بیابان، طعمه درندگان می‌شوند و بدیهی است که جزو آمار کشته‌شدگان به حساب نمی‌آیند. او همچنین به اختلاف‌ها درباره‌ی شمار کشته‌شدگان قیام صاحب‌الزنج و فتنه‌ای که یکی از یاران وی به نام علی‌بن‌ابان مهلبی در ۲۷۰ در بصره برپا کرد، اشاره کرده است و می‌افزاید: همه‌ی گروه‌ها بر اساس حدس و گمان اعداد را بیان کرده‌اند؛ زیرا شمردن تعداد مقتولان در این سال‌های متمادی ناممکن بوده است. (مسعودی، ۱۴۰۹ق: ۴/۱۲۰).

بیان آمار و ارقام به نقل از «مقلل» (آن که کم شمرده) و «مکثر» (آن که زیاد شمرده) نشان می‌دهد که مورخان خود نیز به اعداد مذکور یقین نداشته‌اند. نمونه‌های زیادی در منابع یافت می‌شود که مورخان اظهار کرده‌اند، مقلل «فلان» مقدار و مکثر «فلان» مقدار گفته است. طبری (۳/۲۸۷) درباره‌ی تعداد حمله‌هایی که از جانب خالدبن ولید علیه مسیلمه کذاب صورت گرفته است، می‌گوید که مقلل ۴۰ و مکثر ۶۰ حمله گفته است. مسعودی (۳/۴۷۲-۴۷۳) شمار سپاهیان معتصم عباسی را برای نبرد با رومیان در سال ۲۲۳، از قول مقلل ۲۰۰ هزار و از قول مکثر ۵۰۰ هزار نفر نقل کرده است یا تعداد کنیزان و غلامانی را که مرداویج در حملات خویش به شهرهای دینور و قرماسین و پیرامون آن به اسارت گرفت، از زبان مقلل ۵۰ هزار و از زبان مکثر ۱۰۰ هزار نفر آورده است. (همان، ۴/۲۸۶). اختلافاتی که در این گزارش‌ها، بین برآورد و تخمین مقلل و مکثر دیده می‌شود، بسیار شگفت‌انگیز است؛ به همین دلیل مسعودی گاه تلاش کرده است، عدد میانگین یا به زعم خویش، عدد معقولی بدهد؛ درحالی‌که منبع و مبنای وی برای چنین عددی شناخته نیست. (همان، ۳۷۵- ۲/۳۷۴).

کلمات و عبارت‌هایی، چون نحو، نحواً من...، قیل، یقال، فیما قیل، علی ما قیل، مایزید علی...، اکثر من...، زعم بعضهم...، سمعت و حکمی که مورخان به‌طور گسترده به‌هنگام دادن اعداد و ارقام،

به کار برده‌اند، همگی خبر از اعتراف ضمنی آن‌ها به نادقیق بودن این آمار می‌دهد؛ مثلاً دربارهٔ پیروان ابومسلم گفته شده است:

کم‌شمار (المُحصی المقلل)، پندار (به‌زعم) کسانی که از اقطار خراسان بر او گرد آمدند، ۲۰۰ هزار نفر بودند. کسانی که در ماجرای قیام سنباد در سال ۱۳۷ کشته شدند، حدود (نحواً من) ۶۰ هزار نفر بودند. (ابن‌اثیر: ۱۳۸۵ق: ۵/۴۸۱). متوکل عباسی در سال ۲۴۵ شهری به نام «جعفری» بنا کرد و «آن چنان که گفته‌اند» (فیما قیل)، بیش از دو میلیون دینار صرف بنای آن شد. (برای نمونه‌های بیشتر از کاربرد این واژه‌ها نک: یعقوبی، ۵۱۰، ۴۹۱، ۲/۳۴۷؛ مسعودی، ۳/۴۸، ۲۴۲، ۴/۲۴۰؛ ابن‌مسکویه، ۴/۴۷).

۲. ناهم‌خوانی آمار با شرایط و واقعیت‌ها: یکی از راه‌های مفید و مؤثر برای پی‌بردن به میزان درستی و دقت اعداد و ارقام، تلاش برای درک میزان سازگاری و هم‌خوانی آن با شرایط جغرافیایی و اقتصادی و نیز توانایی‌های مادی و معنوی دوره‌ای است که این اعداد از آن خبر می‌دهد. واکاوی این شرایط، در موارد بسیار روشن می‌کند که امکان برشمردن ثروت، جمعیت یا هر معدودی که ارقام و آمار درصدد بیان آن‌اند، وجود نداشته است و مورخان، سهل‌انگاران و بدون توجه به این شرایط یا با انگیزه‌ای خاص به ذکر اعداد پرداخته‌اند.

آمار و ارقام دربارهٔ شمار سپاهیان و تلفات جانی و مالی در جنگ‌ها، از مواردی است که مورخان با اغراق‌گویی و سهل‌انگاری و بدون توجه به شرایط و واقعیت‌ها در آن گرفتار شده‌اند؛ شاید بیان چند نمونه از این گونه آمادگی‌ها، به اثبات ادعای فوق یاری رساند؛ اما پیش از آن، یادآوری دو نکته بی‌فایده نیست:

۱. بیشتر ارقامی که دربارهٔ شمار سپاهیان در منابع ذکر شده است، به نیروهای سواره یا پیاده‌نظامی مربوط است که اسلحه برمی‌گرفته و مستقیماً نبرد می‌کرده‌اند. بدیهی است، عده‌ای نیز در جایگاه نیروهای پشتیبانی و خدماتی در لشکرکشی‌ها حضور داشته‌اند؛ به گونه‌ای که برای هر نیروی

نظامی، دست کم یک نیروی پشتیبان لازم بوده است. هر چند مسعودی (۲/۳۹۴) اذعان کرده است که برخی از نظامیان (که لابد فرماندهان و افراد برجسته بوده‌اند)، پنج تا ده نیروی پشتیبان و خدمت کار در اختیار داشتند؛ بنابراین یک لشکر مثلاً صد هزار نفری، بالغ بر دوست هزار نیرو و شمار زیادی چهارپا برای حمل و نقل بارها و تجهیزات و انبوهی حیوان برای استفاده از محصولات و گوشت آن‌ها داشته است.

۲. هر چند سعی می‌شد، حتی‌المقدور نام سربازان و تعداد آن‌ها در دفترهای مخصوص، ثبت و ضبط شود و دیوان‌هایی برای این کار تشکیل شده بود؛ اما این دفاتر و دیوان‌ها نیز اغلب در برگیرنده شمار دقیق سپاهیان نبود و گاه کسانی را که از جنگ منصرف می‌شدند یا در حین نبرد به صفوف می‌پیوستند یا برخی از داوطلبان را در برنمی‌گرفت. ابن‌اثیر (۱۱/۴۲۹) در حوادث سال ۵۷۱ ه.ق به ذکر نبرد میان سیف‌الدین غازی بن مودود و صلاح‌الدین ایوبی پرداخته و با اینکه به گفته خودش دفتر عرض (جریده‌العرض) سپاه سیف‌الدین را در اختیار داشته است و آن را به دقت مطالعه کرده بود، نتوانسته است تعداد دقیق سپاهیان وی را مشخص کند و شمار آن‌ها را به‌طور تقریبی بین ۶۰۰۰ تا ۶۵۰۰ نفر ذکر کرده است. جایی که تعیین دقیق شمارگان سپاهی ۶۰۰۰ هزار نفری، آن هم بر اساس دفتر عرض آن سپاه دشوار باشد، وضع اعداد و ارقام گاه نجومی برخی مورخان درباره برخی لشکرکشی‌ها روشن است. برای نمونه می‌توان موارد زیر را ذکر کرد.

- طبری (۳/۴۶۷) در بیان نبرد بویب در سال ۱۳ هجری که بین مثنی‌بن حارثه و مهرویه همدانی، سردار ایرانی رخ داد و شکست ایرانیان را در پی داشت، شمار کشته‌شدگان ایرانی را صد هزار نفر دانسته است. او این عدد را از کسی نقل کرده که استخوان‌های به‌جای مانده از مقتولان را دیده و تعداد آن‌ها را تخمین زده است. اینکه استخوان سر و بدن صد هزار نفر چگونه در یک جا فراهم شده بود و چگونه وی توانست با مشاهده استخوان‌ها که بر اثر جنگ تکه‌تکه شده بود، تعداد مقتولان را حدس بزند، محل تردید است؛ ضمن اینکه خود طبری (۳/۴۸۶) شمار نیروهای تحت

فرمان مثنی بن حارثه را که برای نبرد قادسیه به سعد بن ابی وقاص پیوستند، هشت هزار نفر بیان کرده و بسیار بعید است که مثنی توانسته باشد با هشت هزار نفر حدود صد هزار نفر را قتل عام کند.

- مسعودی (۴/۱۱۹) درباره تعداد بی شماری از مردم که در قیام طولانی مدت صاحب الزنج (۲۷۰-۲۵۵) کشته شدند، سخن گفته و مدعی شده است، تنها در یکی از نبردهای وی در بصره سیصد هزار نفر از مردم این شهر کشته شدند. طبری (۵/۷۹) تعداد نیروهای نظامی بصره را در سال ۳۷ هجری شصت هزار نفر دانسته است. هر چند این روایت طبری بسیار اغراق آمیز است، با این حال اگر کل جمعیت شهر را پنج برابر نیروهای نظامی فرض کنیم، بصره در این سال سیصد هزار جمعیت داشته است. شواهد نشان می دهد که با انتقال مرکز خلافت به دمشق و بعد از آن در دوره عباسیان، از اهمیت و جمعیت شهر بصره به تدریج کاسته شد؛ به گونه ای که جمعیت آن را در قرن سوم و چهارم هجری، دویست هزار نفر تخمین زده اند. (Ashtor, 1976: 89). بنابراین بصره در زمان شورش زنگیان، یعنی اواسط قرن سوم هجری، آن اندازه جمعیت نداشته است که سیصد هزار نفر از آنها، تنها در یک درگیری کشته شوند.

مورخان در بیان نبردهایی که میان مسلمانان با غیرمسلمانان چون هندیان، رومیان و فرنگیان رخ داده است، آمار و ارقام فوق العاده شگفت انگیزی درباره شمارگان سپاهیان دو طرف کرده اند که به نظر می رسد هدف اصلی آنها به رخ کشیدن عظمت پیروزی های مسلمانان و گاه کم اهمیت جلوه دادن شکست های آنها است:

- ابن اثیر (۱۷۰-۹/۱۶۹) در حوادث سال ۳۹۲ ق. می گوید: «محمود غزنوی با پانزده هزار نفر به هند لشکر کشید و توانست پانصد هزار نفر از هندیان را اسیر کند.» پانصد هزار نفر را چگونه می توان با پانزده هزار نفر (به فرض این که همگی زنده و سالم باشند) هدایت، کنترل و سامان دهی کرد و چگونه می توان راه هند تا غزنه را با این تعداد اسیر پیمود و در بین راه برای آنها آب و غذا فراهم کرد؟ اساساً سپاه هندی چند نفر بوده اند که پانصد هزار نفر از آنها اسیر شده اند؟ او همچنین درباره

حملة محمود غزنوی در ۳۹۶ ق. به قلعه کالنجَر در مولتان می گوید: «این قلعه گنجایش پانصد هزار انسان داشت. پانصد فیل و بیست هزار چهارپا در آن بود و برای ذخیره آذوقه همه این نیروها و چهارپایان، مکان کافی در قلعه وجود داشت.» (همان، ۹/۱۸۷).

شکی نیست که قلعه‌ای با این وسعت با بزرگ‌ترین شهرهای آن دوره برابری می کرده است. حال آن که این قلعه پناهگاه حکمرانان محلی و برخی از شورشیان مولتان بوده است. این گزارش حاکی از شناخت نادرست و افسانه‌آمیز مورخ درباره سرزمین و مردم هند است.

- ابن اثیر (۳۴۵، ۲۶۷ - ۲۶۶، ۹/۱۶۹) در حوادث سال‌های ۴۰۷ ق. و ۴۱۶ ق. به لشکرکشی‌های محمود غزنوی به قنوج/کنوج و کشمیر و سومات اشاره کرده است. لشکرکشی محمود به کشمیر و سومات به دلیل دوری مسافت، مستلزم صرف زمان زیاد و نیز فراهم آوردن امکانات و نیروهای بسیار بود. محمود در طول این لشکرکشی‌ها با حاکمان محلی زیادی نبرد کرد، قلعه‌هایی را گشود و به قتل و غارت‌های فراوان دست زد؛ بنابراین شمار افرادی که به دست وی کشته شدند و میزان خسارت‌هایی را که به بار آورد، به هیچ وجه نمی‌توان مشخص کرد. ابن اثیر، بدون توجه به این دشواری‌ها، شمار مقتولان هندی را در هر یک از این حملات، بیش از پنجاه هزار نفر دانسته است. او در گزارش لشکرکشی سال ۴۰۷ ق. از فتح معبدی به دست محمود غزنوی سخن گفته است که از آن ۶۹۰/۳۰۰ مثقال (حدود سه هزار کیلوگرم) طلا غنیمت به دست آمد.

- درباره لشکرکشی شهاب‌الدین محمد غوری در سال ۵۹۰ ق. به بنارس هند نیز که به پیروزی وی منجر شد، ابن اثیر گزارشی عجیب آورده و مدعی است، پادشاه بنارس با یک میلیون نفر (ألف‌ألف رجل) به مقابله شهاب‌الدین آمد. (همان: ۱۲/۱۰۵). اینکه آیا اساساً جمع‌آوری و سامان‌دهی چنین لشکر بزرگی در این دوره ممکن بوده است یا نه؟ از نگاه مورخ، مغفول مانده است.

آمار شگفت‌انگیز، درباره نبرد با رومیان و فرنگیان نیز دیده می‌شود. هارون در سال ۱۶۵ ق.، درحالی که ولیعهد پدرش مهدی عباسی بود، به قلمروی رومیان لشکر کشید و تا نزدیکی شهر

قسطنطنیه پیش رفت. در این راه طولانی بیش از نود و پنج هزار سپاهی وی را همراهی می کردند. او چهل و پنج هزار نفر از رومیان را به قتل رساند، بیش از پنج هزار نفر را اسیر کرد و صد هزار رأس گاو و گوسفند (که معلوم نیست از رومیان به غنیمت گرفته بود یا به همراه سپاه خویش برده بود)، برای تغذیه نیروهای تحت فرمانش ذبح کرد. (طبری، ۸/۱۵۲؛ ابن اثیر، ۶/۶۶). آنچه مسلم است، هارون در این لشکرکشی جنگ‌های متعدد کرد و از سرزمین‌ها، رودها و گاه مناطق صعب‌العبور گذشت. مشخص نیست، این اعداد و ارقام درباره کشته‌شدگان رومی و اسرای آن‌ها و نیز حیوانات ذبح شده، چگونه به دست آمده است.

- در گزارشی عجیب‌تر، ابن اثیر (۹/۵۴۶) می‌گوید که در لشکرکشی ابراهیم ینال، فرمانده سپاه سلجوقی به قلمروی رومیان در ۴۴۰ هجری، صد هزار نفر از رومیان به اسارت مسلمانان درآمدند. - در نبرد ملازگرد در سال ۴۶۳ ق. که به پیروزی آلب ارسلان سلجوقی و اسارت امپراتور روم به دست وی منجر شد، سپاه سلجوقی پانزده هزار و سپاه رومیان، دویست هزار نفر گزارش شده است. (همان: ۱۰/۶۵).

- در نبرد میان فرنگیان و گُمُشتگین از امرای دانشمندیه آناطولی در ۴۹۳ ق.، مسلمانان برای دشمن کمین گذاشتند و حدود سیصد هزار نفر را کشتند. (همان: ۱۰/۳۰۰).

- در نبرد میان ابویوسف یعقوب امیر موحدی مغرب با پادشاه فرنگ در اندلس در سال ۵۹۱ هجری، صد و چهل و شش هزار نفر مسیحی کشته و سیزده هزار نفر از آن‌ها اسیر شدند. صد هزار رأس اسب، صد هزار رأس الاغ، بیش از هفتاد هزار دست لباس و صد و چهل و سه هزار خیمه نصیب مسلمانان شد و از سپاه ابویوسف نیز بیست هزار نفر کشته شدند؛ در حالی که این نبرد در قلمروی مسیحیان در گرفت و ابویوسف فرسنگ‌ها با مرکز فرمانروایی خویش فاصله داشت. (همان: ۱۲/۱۱۵).

درباره همه گزارش‌های بالا و نمونه‌های متعدد آن که در منابع تاریخی دیده می‌شود، چند سؤال

بی پاسخ است: این همه نیرو در این لشکرکشی های طولانی مدت چگونه سامان دهی و رهبری می شدند؟ آب، علوفه و مایحتاج این سپاهیان عظیم، در حالی که گاه فرسنگ ها از قلمروی خویش دور افتاده بودند و ماه ها در قلمروی دشمنان جولان می زدند، چگونه تأمین می شد؟ آیا امکان ورود یکپارچه این لشکرهای بزرگ به جنگ با شیوه های معمول، چون نظام صف و کردوس و خمیس وجود داشت و در صورت پیروزی یا شکست بخشی از سپاه، بخش دیگر از آن مطلع می شد؟ اساساً در چنین موقعیت های دشواری چه شخص، نهاد یا سازمانی، شمارش تلفات جانی و مالی دشمن را برعهده داشت؟

ابن اثیر (۱۱/۴۲۹) ضمن رد سخن عماد کاتب که سپاه سیف الدین غازی بن مودود را در نبرد با صلاح الدین ایوبی، بیست هزار نفر برشمرده است، با لحنی تمسخرآمیز می پرسد:

کاش می دانستم که موصل و توابع آن تا فرات چقدر وسعت دارد که بیست هزار سوار در آن می تواند فراهم شود! حال اگر به اقرار خود وی، موصل و مناطق پیرامون آن، گنجایش تنها بیست هزار سواره نظام را نداشته باشد، لشکرهای صد، دویست، سیصد و گاه پانصد هزار نفری که ابن اثیر و مورخان دیگر، بدان اشاره کرده اند، در چه منطقه و بیابانی اردو می زده و جنگ می کرده اند! این آمار و ارقام بی شمار درباره خسارت های جانی و مالی دشمنان در منابع تاریخی پیوسته تکرار می شود؛ در حالی که شواهد نشان می دهد، مسلمانان حتی گاه از شمار تلفات سپاه خویش یا اسرایی که مدت ها در دست رومیان گرفتار بوده اند، آگاهی درستی نداشته اند. (طبری، ۱۳۸۷ق: ۹/۲۰۲).

گذشته از این، هر چند به شمارگان جمعیت شهرها در منابع اشاره ای نشده است، تخمین های برخی از محققان جدید بر اساس شواهد و اسناد موجود، نشان می دهد که امکان تهیه سپاه چندصد هزار نفری، کاری بس دشوار و اغلب ناممکن بوده است؛ مثلاً جمعیت شهر بغداد را در اوج شکوه عباسیان حدود پانصد هزار نفر تخمین زده اند. (Ashtor, 1976: 89, 91, 92;)

Musallam, 1983: 110؛ کرم، ۸۷۶۱).

درباره شمار کسانی که یک حاکم یا فرمانده در کل دوره فرمانروایی خویش به قتل رسانده یا درباره تعداد افرادی که در یک قیام و شورش پر دامنه و درازمدت کشته شده‌اند، گاه آمار و ارقام بی‌اساسی ذکر شده است؛ مثلاً درباره حجاج بن یوسف ثقفی که بیش از بیست سال به امارت بر ولایات مختلف و فرماندهی سپاه اشتغال داشت، گفته شده است که در دوره امارتش، پنجاه هزار مرد و سی هزار زن در زندان‌های وی درگذشتند یا در روایتی دیگر بیان شده است که او صد و بیست هزار نفر را در اسارت بکشت. (مسعودی، ۳/۱۶۶؛ ابن اثیر، ۴/۵۸۷). همچنین گفته شده است، شمارگان افرادی که بابک در مدت بیست سال شورش خویش به قتل رساند، ۲۵۵/۰۰۰ نفر بوده است. (طبری، ۹/۵۴-۵۵). آیا دستیابی به چنین آمار و اعدادی درباره زندگی پرتلاطم افرادی، چون حجاج و بابک امکان‌پذیر بوده است؟

وقتی که درباره شمار سپاهیان و میزان خسارت‌های جنگی، این قدر بی‌دقتی مشاهده می‌شود، وضع آمار و ارقام داده شده درباره مقدار اموال و دارایی‌های حکومتی و شخصی که گاه عمداً پنهان داشته می‌شد، روشن است؛ مثلاً به گفته مسعودی (۲/۳۳۳) عبدالرحمن بن عوف، صد اسب، هزار شتر و صد هزار گوسفند در طویله خویش داشت و ژیربن عوام پس از مرگش پنجاه هزار دینار، هزار اسب و هزار غلام و کنیز برجای نهاد. حال اگر سایر صحابه نیز همین مقدار اموال منقول و غیرمنقول داشته باشند، این همه اسب و گوسفند و شتر در خانه‌های این افراد در مدینه چگونه نگهداری می‌شده است؟ آیا اساساً تهیه آب و علوفه برای آن‌ها در مدینه و پیرامون آن ممکن بوده است؟ ابن مسکویه (۵/۳۲۲-۳۲۵) ضمن تنظیم سیاهه بلندی از دارایی‌هایی که مقتدر عباسی از مصادره یا راه‌های دیگر به دست آورده بود، می‌گوید: «وی در مدت خلافت خویش، بیش از هفتاد میلیون دینار از بیت‌المال را با اسراف کاری تلف کرد.» (ابن اثیر، ۸/۲۴۳). این که منظور از اسراف کاری چیست و معیار تشخیص آن چه بوده و مهم‌تر از آن، مبلغ و میزان اموال

تلف شده چگونه محاسبه شده است، ناشناخته است.

دادن آمار دقیق از شمار کسانی که بر اثر ابتلا به یک بیماری یا وقوع سیل و زلزله جان باخته‌اند، امروزه نیز کاری بس دشوار و گاه غیرممکن است؛ اما در منابع تاریخی، آمارهایی در این زمینه آمده است که مسلماً حدسی و غیردقیق و گاه بسیار دور از واقع است. به گفته طبری (۹/۲۰۷) در زلزله سال ۲۴۲ در قومنس و توابع آن، ۴۵/۰۷۶ نفر جان باختند. جالب اینکه یعقوبی (۲/۴۹۱) شمار قربانیان همین زلزله را حدود دویست هزار نفر بیان کرده است. این اختلاف بیانگر غیردقیق بودن اعداد است. ابن اثیر (۹/۴۲۶) گوید: «در قحطی سال ۴۲۳ ق. در موصل و بر اثر وبایی که در پی آن شایع شد، چهار هزار کودک جان باختند.» وی در روایتی عجیب‌تر گوید: «در وبای سال ۴۴۹ ق. در بخارا ۱/۶۵۰/۰۰۰ نفر جان دادند و همین تعداد هم در سمرقند، قربانی شدند. (همان: ۹/۶۳۷). شکی نیست که آمارگیری از قربانیان این حوادث در ایالت‌های بزرگی، چون قومنس و بخارا و سمرقند، کاری ناممکن بوده است و ظاهراً مورخ با این آمار، به زعم خویش قصد داشته است بزرگی و وسعت فاجعه را نشان دهد.

بررسی اعداد و ارقام مورخان به مناسبت‌های مختلف، نادرستی آن را روشن می‌کند؛ مثلاً یعقوبی (۲/۱۵۴) گوید: «خلیفه دوم در نامه‌ای از عمروعاص، والی مصر خواست که برای مردم مدینه که دچار تنگی معاش شده بودند، غذا بفرستد. وی نیز بیست فرزند کشتی بار زد که در هر یک سه هزار «أردب» (ثلاثة آلاف أردب) یا کمتر و بیشتر طعام جاسازی شده بود و کشتی‌ها از راه قلزم به بندر جار وارد شدند.» دو نوع أردب در مصر رایج بود: یکی ۱۲۸ رطل و دیگری ۱۹۲ رطل. هر رطل نیز معادل ۹۰ مثقال و هر مثقال ۴/۲۵ گرم است. یعنی: گرم $۱۴۶/۸۸۰/۰۰۰ = ۳۰۰۰ \times ۱۲۸ \times ۹۰ \times ۴/۲۵$ (ریس، ۱۳۷۳: ۳۳۷، ۳۵۹). با این حساب هر کشتی حدود ۱۴۶/۸۸ تن بار حمل می‌کرده است. مشخص است که کشتی‌های در اختیار مسلمانان در این دوره، هر چند که از رومیان به غنیمت ستانده باشند، قادر به حمل این مقدار بار نبوده‌اند. حال اگر هر أردب را ۱۹۲

رطل به حساب آوریم، اعداد و ارقام، شگفت‌انگیزتر خواهد شد.

باز هم یعقوبی در روایتی دیگر گوید: «عمرو عاص از اسکندریه و سایر اعمال مصر چهارده میلیون دینار جزیه ستاند؛ در حالی که بر هر فرد ذمی یک دینار جزیه وضع کرده بود.» (۲/۱۵۴). اگر مصر در دوره فتوح چهارده میلیون جزیه پرداز داشته، کل جمعیت آن به چند برابر می‌رسیده است؛ اما طبق برخی برآوردها، جمعیت مصر در این دوره ۴ تا ۴/۵ میلیون نفر بیشتر نبوده است. (Ashtor, 92). ضمن اینکه در دوره ولایت عمرو عاص هنوز همه سرزمین مصر فتح نشده بود. همچنین ابن عبدالحکم (۱۶۶) در روایتی درباره فتح اسکندریه از زبان عمرو عاص و در بیان عظمت و ثروت این شهر گوید: «چهل هزار نفر یهودی جزیه پرداز دارد.» هر چند که قرینه‌هایی، چون چهار هزار بنا، چهار هزار حمام و چهار هزار عشرتکده که در این روایت آمده است، نشان می‌دهد که این اعداد نمادین و غیرواقعی‌اند؛ اما حتی اگر آن را بپذیریم و جزیه پردازان سایر شهرهای مصر را نیز همین مقدار یا بیشتر فرض کنیم، باز هم با عدد چهارده میلیون تناسبی نخواهد داشت. جالب آنکه بلاذری جزیه شهر اسکندریه را در این دوره هجده هزار دینار دانسته است. (۲۱۶، ۲۲۱) به گفته وی از هر نفر دو دینار اخذ می‌شده است؛ به عبارت دیگر، کل جزیه پردازان اسکندریه بنا بر روایت بلاذری، نه هزار نفر بوده‌اند.

- مسعودی (۳/۱۷۵) درباره سلیمان بن عبدالملک، خلیفه اموی گوید: «او فردی بسیار پرخور (آکول) بود و روزانه صد رطل عراقی غذا می‌خورد. رطل عراقی حدود ۴۰۸ گرم بوده است. (ریس، ۳۷۵) یعنی:

$$۱۰۰ \times ۴۰۸ = ۴۰۸۰۰ \text{ گرم}$$

با این حساب وی در روز حدود ۴۸ کیلوگرم غذا می‌خورده است.

- مسعودی (۴/۴۰) درباره متوکل گوید: «چهار هزار کنیز داشت که با همگی نزدیکی کرده بود.» اولاً عدد فوق نمادین و دال بر کثرت است و ثانیاً شمار کنیزان و شگفت‌تر از آن، مجامعت خلیفه

با همه آنها چگونه به دست آمده است؟ گفتنی است که حوادث و اخبار مربوط به زنان و حرم‌سراهای خلفا و سلاطین، بسیار سری و محرمانه بوده‌اند و دسترسی به آن بسیار سخت و گاه ناممکن بوده است. (نک: معصومی، ...). باز هم مسعودی (۴/۱۹) درباره متوکل گوید: «دستور داد، عمرین فرج رنجی را که برای مصادره اموالش محبوس شده بود، هر روز سیلی بزنند، پس در طول مدت حبس شش هزار سیلی به او زدند.» در جامعه‌ای بدون نظام آمارگیری و سرشماری دقیق که شمارگان سپاهیان و تلفات جانی و مالی را نمی‌توان مشخص کرد، شمار سیلی‌های نواخته شده بر صورت یک زندانی، چگونه تعیین شده است؟

۳. اختلاف در آمار و ارقام: اختلاف آمار داده‌شده مورخان در زمینه‌های گوناگون، شاهد دیگری بر غیردقیق بودن این اعداد است. به بخشی از این اختلاف‌ها در بحث از مقلل و مکثر اشاره شد. بررسی دلایل و انگیزه‌های شکل‌گیری این اختلاف‌ها فرصتی دیگر می‌خواهد. آنچه مسلم است، اینکه حتی اگر بنا بر دلایل و شواهدی، یکی از اعداد مذکور درباره مصداق یا معدودی واحد را دقیق و درست فرض کرد، باید پذیرفت که سایر اعداد و آمار داده شده درباره آن، همگی نادرست‌اند. اختلاف‌ها گاه چنان شدید است که نمی‌توان اعداد مختلف را ناشی از تخمین‌ها و برآوردهای چندگانه دانست؛ زیرا گاه اختلاف بین دو عدد به ده‌ها برابر می‌رسد و ممکن نیست که برآورد دو یا چند نفر تا این اندازه متفاوت باشد.

هر چه حادثه‌ای مهم‌تر و تأثیرگذارتر بوده است، اختلاف پیرامون اعداد و ارقام آن بیشتر است. این نشان می‌دهد که برای دست‌کاری در آمار مربوط به حوادث مهم، انگیزه‌های بیشتر و متنوع‌تری وجود داشته است. آمار مربوط به شمار سپاهیان اعراب و ملت‌های مغلوب و نیز خسارت‌ها و تلفات ناشی از فتوح در قرون نخست هجری، از این نمونه است: سپاه سعدبن‌ابی‌وقاص را در قادسیه، ۴، ۷، ۹، ۱۲، ۱۴، ۲۲، ۳۰ و ۸۸ هزار نفر و سپاه رستم فرمانده ایرانی را ۳۰، ۶۰ و ۱۲۰ هزار نفر دانسته‌اند. (یعقوبی: ۲/۱۴۳؛ طبری: ۵۲۵، ۵۰۵، ۴۹۶، ۴۸۷ - ۳/۴۸۶؛

دینوری: ۱۱۹؛ مسعودی: ۲/۳۱۲؛ ابن مسکویه: ۱/۳۲۹؛ ابن اثیر: ۲/۴۰۷).

طبری اموال موجود در خزانه‌های یزدگرد سوم را سه میلیارد دینار (ثلاثة آلاف ألف) و ابن اثیر سه هزار میلیارد دینار (ثلاثة آلاف ألف ألف) دانسته است و ابن اثیر، برای رفع هر گونه شک، به تکرار عدد «ألف» با عبارت «سه بار» (ثلاث مرّات) تأکید کرده است. (طبری: ۴/۱۱؛ ابن اثیر: ۲/۵۱۳). این اختلاف‌ها گاه به قدری عجیب است که احتمال دست‌کاری عمدی یا سهوی ناسخ‌ها را در کاستن یا افزودن کلمه «ألف» تقویت می‌کند.

درباره شمار حاضران و مقتولان جنگ‌های سه‌گانه جمل، صفین و نهروان نیز اعداد و ارقام مختلفی داده شده است که به نظر می‌رسد، انگیزه‌های سیاسی و مذهبی مورخان و راویان در آن دخیل بوده است. (صادقی، ۱۳۸۰: ۴۹-۸۱). شمار یاران امام حسین (ع) در قیام عاشورا و کوفیانی که به آن حضرت نامه نوشتند، تعداد شهدا و تعداد سپاهیان یزد نیز مورد مناقشه است. (رنجبر، ۱۳۸۴: ۵۱-۸۳). کسانی که در قیام زیدبن علی با وی بیعت کردند، پانزده یا چهل هزار نفر دانسته شده‌اند. (طبری: ۱۷۱/۷؛ ابن اثیر: ۲۳۳/۵) یاران ابراهیم بن محمد (قتیل باخمی)، برادر النفس الزکیه، در سال ۱۴۵ ق. با اختلاف، ۴، ۱۰ و ۱۰۰ هزار نفر ذکر شده است. (طبری: ۷/۴۶۳؛ ابن اثیر: ۵/۵۶۳، ۵۶۷). در زمینه مسائل مالی نیز چنین اختلاف‌هایی در آمار دیده می‌شود؛ مثلاً به گفته طبری (۸/۱۲۲) مهدی عباسی در سال ۱۵۹ ق.، عیسی بن موسی را به نفع پسران خویش هادی و هارون از ولیعهدی عزل کرد و به وی ده یا بیست میلیون درهم عطا کرد. روایت‌های فوق، تنها چند نمونه از انبوه اختلاف‌هایی است که در اعداد و ارقام وجود دارد و بی‌دقتی در ثبت اعداد را نشان می‌دهد.

۴. استفاده از اعداد نمادین و رتند: برخی از اعداد، مانند ۴، ۷، ۱۰، ۱۲ و مضرب‌های آن‌ها در بسیاری از فرهنگ‌ها پیش از آن که بیان‌کننده مقدار واقعی معدود خویش باشند، علامت و نمادی برای بیان مفاهیم ویژه‌ای، چون کثرت، کمال، تقدس و ابهام‌اند. در فرهنگ اسلامی نیز اعداد مذکور چنین ویژگی دارند و با حفظ همین ویژگی در منابع تاریخی وارد شده‌اند و مورخان به‌طور

گسترده از آن‌ها استفاده کرده‌اند. در منابع دربارهٔ اینکه محاصرهٔ یک شهر چهل روز طول کشیده است، بارش باران در منطقه‌ای چهل روز ادامه یافت یا زلزله، شهری را چهل روز لرزاند، گزارش‌های فراوان دیده می‌شود. (یعقوبی: ۲/۲۹۱؛ طبری: ۹/۵۰۹؛ ابن‌اثیر: ۴/۵۸۲؛ ۸/۶۹۴؛ ۱۰/۲۵۹، ۱۲/۲۲۹). شاید پربسامدترین عددها در منابع تاریخی دربارهٔ شمارگان سپاهیان و جان‌باختگان در جنگ‌های مختلف در تاریخ اسلام، ۴، ۴۰، ۷، ۷۰، ۱۰ و ۱۲ هزار نفر باشد؛ مثلاً در غزوهٔ بدر ۷۰ نفر از مشرکان کشته و ۷۰ نفر اسیر شدند و در غزوهٔ احد، ۷۰ نفر از مسلمانان کشته و ۷۰ نفر اسیر شدند. (طبری، ۴۷۵؛ ۲/۴۷۴). در صفین ۷۰ نوبت جنگ شد و ۷۰ هزار نفر کشته شدند. (مسعودی، ۲/۳۵۲). در ماجرای قیام استاسیس، ۷۰ هزار نفر جان باختند. (طبری، ۸/۳۱). هارون‌الرشید پس از فتح هرقله در ۱۹۰ هجری، داودبن‌عیسی را با ۷۰ هزار نفر روانهٔ سرزمین‌های روم کرد. (ابن‌مسکویه، ۳/۵۵۷). تعداد یاران مختاربن‌ابی‌عبیده، ۴۰ هزار نفر و شمار سپاهسانی که عبدالملک برای سرکوب وی اعزام کرد، ۴۰ هزار نفر بودند. (دینوری: ۲۹۳، ۳۰۰). امین، علی‌بن‌عیسی را با ۴۰ هزار نفر برای مقابله با مأمون به سوی خراسان گسیل داشت. (یعقوبی، ۲/۴۳۷). در حملهٔ مغولان به قزوین ۴۰ هزار نفر کشته شدند. (ابن‌اثیر، ۱۲/۳۶۷). پیامبر (ص) برای نبرد هوازن با ۱۲ هزار نفر خارج شد و در این جنگ ۱۲ هزار بار شتر غنیمت نصیب مسلمانان شد. (طبری، ۳/۷۳؛ یعقوبی، ۲/۶۲). اولین گروه خوارج که در حرورا جمع شدند، ۱۲ هزار نفر بودند. (طبری، ۵/۶۳). در کوفه ۱۲ هزار نفر با مسلم‌بن‌عقیل به نیابت از امام حسین (ع) بیعت کردند. (همان، ۳۴۸-۵/۳۴۷). این اعداد نمادین گاه در برخی از روایات به جای همدیگر به کار رفته‌اند؛ مثلاً گفته شده است، ۷۰ نفر یا ۴۰ نفر، ۴۰۰ نفر یا ۷۰ نفر. (همان: ۵/۱۱۲؛ ۷/۶۴۶). شکی نیست که اعداد مذکور در گزارش‌های فوق، همگی به منزلهٔ نمادی برای کثرت، کمال، تقدس یا ابهام به کار رفته‌اند و هیچ یک بر محدود واقعی دلالت ندارند.

ویژگی دیگر اعداد و ارقام در منابع تاریخی، رُند بودن آن‌ها است. اکثریت قریب به اتفاق

اعداد و ارقام در منابع تاریخی ژند و بدون کسر و در واقع گرد شده‌اند. کثرت کاربرد اعداد ژند در منابع به قدری است که خواننده با نگاهی گذرا به صفحات این آثار، ده‌ها نمونه از این نوع اعداد را مشاهده خواهد کرد. نمونه‌هایی هم که در این مقاله ذکر شد، دلیلی بر این مدعاست. ژند بودن این همه عدد و رقم، چه درباره معدودهای مادی و چه معدودهای معنوی، دلیلی محکم بر غیردقیق بودن اعداد است.

نتیجه‌گیری

کثرت آمار و ارقام داده شده در منابع تاریخ اسلام یکی از ویژگی‌های این منابع است. این اعداد و ارقام، به معدودهای متنوع و متکثر، چون شمارگان سپاهیان، خسارت‌ها و تلفات جانی و مالی در جنگ‌ها و حوادث طبیعی و اندازه دارایی‌ها، هزینه‌ها و درآمدهای حکومتی و شخصی مربوط است.

دلایل و شواهد زیادی در دست است که نشان می‌دهد، بیشتر این اعداد و ارقام تقریبی و غیردقیق یا اساساً نادرست‌اند. اعتراف عده‌ای از مورخان به نادرست بودن این آمار و تردید گروهی دیگر درباره درستی آن‌ها، ناهم‌خوانی اعداد و ارقام با شرایط مادی و معنوی در زمان حدوث یک واقعه، اختلاف درباره اعداد در میان مورخان و نیز استفاده گسترده از اعداد نمادین و ژند، از این شواهد و دلایل است؛ بنابراین محققان تاریخ اسلام، در مراجعه به این منابع و در استناد به آمار و ارقام مذکور در آن‌ها، نباید احتیاط را از دست بدهند. اعتماد کامل به اعداد مذکور، قطعاً موجب رخنه کاستی‌ها و ناراستی‌هایی در نتیجه تحقیقات خواهد شد.

منابع و مأخذ

ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن (۱۳۸۵ق/۱۹۶۵)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر.

ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۴۰۸ق/۱۹۸۸)، *دیوان المبتدأ و الخبر...*، تحقیق خلیل شحاذه، بیروت، دارالفکر.

ابن عبدالحکم (۱۴۱۶ق/۱۹۹۶)، *فتوح مصر و أخبارها*، چاپ محمدالحجیری، بیروت، دارالفکر.
ابن مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۹ش)، *تجارب الامم و تعاقب الهمم*، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران، سروش.

بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۸۸)، *فتوح البلدان*، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
دینوری، احمد بن داود (۱۳۶۸ش)، *الاخبار الطوال*، تحقیق عبدالمنعم عامر و جمال الدین الشیال، قم، منشورات الرضی.

رنجبر، محسن (۱۳۸۴)، «عاشورا در آینه آمار و ارقام»، *تاریخ در آئینه پژوهش*، شماره ۱۰، تابستان.
ریس، ضیاءالدین (۱۳۷۳ش)، *خراج و نظامهای مالی در دولتهای اسلامی*، ترجمه فتحعلی اکبری، اصفهان.

صادقی، مصطفی (۱۳۸۰ش)، «نقدی بر آمار تلفات جنگهای امام علی علیه السلام (جمل، صفین، نهروان)»، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۷، پائیز.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق/۱۹۸۸)، *تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث.

کرمر، جوئل ل. (۱۳۷۵ش)، *احیای فرهنگی در عهد آل بویه*، ترجمه محمدسعید حتایی کاشانی، تهران.

مسعودی، ابوالحسن (۱۴۰۹ق)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجره.
معصومی، محسن، «حرمسرا»، در *دانشنامه جهان اسلام*، جلد دوازدهم.

یعقوبی، تاریخ یعقوبی، بیروت، دارصادر، بی تا.

E. Ashtor, (1976) *A social and economic history of the Near East in the Middle ages*, London.

B. F. Musallam, (1983) *Sex and society in Islam, Birth control before the nineteenth century*, Cambridge.